

سیر نعمت‌های بهشتی در سور مکی و مدنی براساس تحلیل محتوای کمی

سعیده سادات موسوی نیا^۱

چکیده

توصیف دقیقی از نعمت‌های بهشتی و گستره بعد حسی و معنوی آنها در قرآن کریم تجلی یافته است. در اینکه لذات بهشت حسی است یا معنوی میان مفسران اختلاف نظر است، از این رو برخی بر این باورند که دلالت باطنی و تاویلی نعمت‌های حسی مد نظر است. این نوشتار بر آن است که با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کمی و کدگذاری بسته نشان دهد که هر دو نعمت مورد تأکید اند و با بررسی دقیق و تحلیل کمی نعمات بهشتی به تفکیک سور مکی و مدنی نشان دهد که در سیر از سور مکی به سور مدنی از ذکر نعمات حسی کاسته شده و یادکرد نعمات معنوی چون رضوان الهی، لقا و محبت الهی، و رحمت الهی فزونی یافته است. افزون بر این در سور مدنی از ذکر جزئیات چگونگی نعمت‌ها سخنی به میان نیامده و یادکردی از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و مقام و اوصاف دقیق «حورالعین» با جاذبه‌های جسمی نیست؛ بلکه با تعبیر «ازواج مطهره» بر بعد معنوی نعمت و پاکی همسران بهشتی تأکید شده است.

کلیدواژگان: نعمت حسی، نعمت معنوی، لذات بهشت، سور قرآن، ازواج مطهره.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. smrt87@gmail.com

مقدمه

به تعبیر قرآن کریم، افراد نیکوکار در بهشت از موهبت های حسی از قبیل انواع خوردنی و نوشیدنی، حورالعین، بسترهای آماده، تاج و تخت و لباس اعلی و نعمت های معنوی مانند رضوان الهی، لقاء الله و رحمت الهی برخوردارند. در برداشت عارفانه، سطحی بودن و خردی نعمت های حسی، کار را به وادی تأویل کشانده و بهره مندی های بهشتی جنبه تمثیل و تشبیه یافته است (برای نمونه بنگرید به: فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۴ / ۹۷)؛ درحالی که اگر به هدف قرآن در بیان این نعمت ها و سیر آن در سور مکی و سپس در سور مدنی دقت شود، آشکار خواهد شد که با آماده و مهیا شدن نفوس برای درک و فهم مسائلی بالاتر از سطح اندیشه خُرد آدمی، لذت های فراتری عرضه می شود. در این مرحله، قرآن کریم بر آن است که مانند راهنمایی آگاه و دانا دست اندیشه خُرد آدمی را بگیرد و به سوی نعمت های اصلی و فراتر رهنمون شده و در پرتو آن، هدف خلقت را به او یادآوری کند؛ به عبارت دیگر انسان را از حسیض ماده رهایی بخشد و به لقای خود برساند.

با مطالعه آیات و روایات می توان به تصویری کلی از این سیر دست یافت. تصویری کلی که دارای بعد تربیتی فوق العاده ای است و در واقع هرانسانی را با هرگونه انگیزه معنوی و مادی به سوی خود فراخوانده و جلب و جذب می کند و او را برای نیل به چنین غایتی به تهذیب نفس، پاک سازی عقیده، پاکی اعمال و درستی گفتار و رفتار فرامی خواند. و فور نعمت های حسی در سور مکی و کاهش قابل ملاحظه آن در سور مدنی که از طریق تحقیق تحلیل محتوای کتبی به دست می آید، بیانگر این نکته است که قرآن کریم به مقتضای فصاحت و بلاغت بر آن است که فراخور فهم مخاطبان سخن گوید. در پی دعوت رسول الله ﷺ هنگامی که نفوس مردم آماده تربیت شد، سطح فراتری از نعمت ها معرفی می شود؛ از این رو در سور مدنی از حورالعین خبری نیست؛ بلکه حورالعین جای خود را به ازواج مطهره می دهد و ... این موضوع بیانگر راه و هدفی است که آدمی برای معنادهی به زندگی دنیوی و تربیت نفس خود برای رسیدن به مقام انسان کامل می باید طی کند.

دربارهٔ بهشت و نعمت‌های آن دو مقاله با عنوان «بهشت از منظر قرآن کریم» نوشتهٔ رضوان حاجی شرفی و «بررسی سلسله‌مراتب بهشت‌های چهارگانه براساس قرآن و روایات» نوشتهٔ حسین کامیاب در دست است؛ ولی در هیچ‌یک از این دو مقاله به تحلیل کمی نعمت‌ها به صورت مستدل پرداخته نشده است.

پرسش‌های مهمی که در جستار حاضر مطرح می‌شود، این است که در قرآن کریم توجه به سیر نزول سوره‌ها از مکی به مدنی بر چه نعمت‌هایی تأکید شده است؟ توجه به تفاوت‌های نعمت‌های بهشتی در سوره مکی و مدنی، چه ابعاد تربیتی‌ای دارد؟ برای پاسخ به پرسش‌های اساسی، روش کاربردی تحلیل محتوای کمی برگزیده شده است. در آغاز جستار، نخست با معرفی مختصر روش تحقیق جستار، تمامی نعمت‌ها به تفکیک سوره مکی و مدنی گردآوری و در جدول اکسل کدگذاری شده و سپس نتایج براساس آن‌ها تحلیل شده است.

روش تحلیل محتوای کمی

تحلیل محتوا یکی از روش‌های شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات است که با توجه به موضوع، شرایط و هدف هر تحقیقی، کاربردی خاص پیدا می‌کند. این روش می‌کوشد از طریق بررسی اسناد مکتوب متنی و غیرمتنی به واکاوی ماهیت اسناد بپردازد. (بنگرید به: هولستی، ۱۳۷۳: ۴۷-۹۳) روش تحلیل محتوا به دو دستهٔ کمی و کیفی تقسیم می‌شود. در روش تحلیل محتوای کمی، پیام‌ها به صورت منظم کدگذاری و به گونه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند، که پژوهشگر بتواند آن‌ها را به صورت کمی تجزیه و تحلیل کند. (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۸؛ بنگرید به: هولستی، ۱۳۹۱: ۱۳) این روش براین فرض بنا شده است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های درک و سازمان‌یافتگی جهان دست یافت. روش تحلیل محتوای کمی به‌عنوان یک تفسیر، میان دو قطب عینی و ذهنی قرار می‌گیرد و پژوهشگر را به سوی عناصر پنهان موضوع هدایت می‌کند. (باردن، 1989: 91)

در این جستار با کدگذاری بسته برای تحلیل متن، نعمت های مختلف در قرآن کریم کدگذاری شده و بسامد این نعمت ها در هر سوره شمارش شده و سپس با توجه به آمار تحلیلی درباره یادکرد این نعمت ها و تأثیر آن در بعد تربیتی نفوس ارائه شده است. پیش از پرداختن به بحث، تعریف دقیق مقولاتی که مورد تحلیل قرار می گیرند، ضروری به نظر می رسد:

سور مکی و مدنی

نعمت های بهشتی در سوره های متعددی بیان شده است. اگر به ترتیب نزول به این سوره ها نظری بیفکنیم، به دو دسته مکی و مدنی تقسیم شدنی اند. منظور از سور مدنی سوره هایی است که پس از هجرت بر پیامبر ﷺ نازل شده و مراد از سور مکی سوره هایی است که پیش از هجرت بر پیامبر ﷺ نازل شده است. (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱/۲۳)

سوره هایی که در آن ها به ذکر نعمت های حسی و معنوی پرداخته شده، به تفکیک مکی و مدنی عبارت اند از: حجر، کهف، صافات، طور، نبأ، واقعه، الرحمن، یس، غاشیه، زخرف، مرسلات، حاقه، مطففین، زمر، دخان، انسان و حج از زمره سور مکی و سوره های بقره، آل عمران، توبه، رعد، انفال، نساء، مائده، حدید، مجادله، بینه از زمره سور مدنی.

نعمت های حسی و معنوی

نعمت های حسی اعم از نوشیدنی، خوردنی، زیورآلات، لباس فاخر، خادمان و حورالعین، تخت های بهشتی، جئات، چشمه و انهار بهشتی و ... و نعمت های معنوی شامل مغفرت الهی، رضوان الهی، رحمت و لقای الهی به عنوان کدهای مورد استفاده در جدول اکسل انتخاب شده اند.

گفتنی است که تعبیر نعمت های حسی به این علت است که در فهم مادی آن، حواس پنج گانه دخیل اند و گرنه بنابر نظر برخی از مفسران خواسته های جسمانی در بهشت اگرچه محسوس اند، مادی نیستند و نوعی تمثیل و ساخته خیال اند و بر این اساس که خواهش نفسانی به وسیله خیال ایجاد می شود، فرقی بین زن و مرد نیست (صدرالدین

شیرازی، ۱۹۸۱: ۹ / ۳۲۲؛ به عبارت دیگر درک دقیق نعمت‌های بهشتی برای عموم مردم قابل فهم نیست. طبرسی ذیل آیه «يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» (انسان / ۶) آورده است: انسان در انتخاب مسکن دنیوی تابع چشمه است؛ هر جا چشمه وجود داشته باشد، آنجا را برای ساختن خانه انتخاب می‌کند؛ ولی در آخرت چشمه تابع انسان است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۶۱۷) در روایتی نیز راوی از امام رضا علیه السلام می‌پرسد: کدامین روایت درباره شجره ممنوعه درست است؟ آیا حضرت آدم خرما خورد یا انگور یا گندم، کدام؟ امام فرمود: همه اش درست است. عرض کردند: چگونه؟ فرمود: درخت بهشت یا شاخه آن نظیر دنیا و یا شاخه آن نیست که برای نمونه شاخه گندم برنج ندهد؛ بلکه با اراده انسان هر ثمری می‌دهد. (صدوق، ۱۳۷۸: ۱ / ۳۰۶)

فارغ از این بحث که نعمت‌های حسی در بهشت چگونه‌اند، هر نعمتی که به گونه‌ای با حواس مادی بشر در ارتباط است در زمره نعمت‌های حسی و هر نعمتی که با تفکر و روان انسان مرتبط است، در زمره نعمت‌های معنوی تلقی شده است. از آنجاکه در روش تحلیل محتوا ضروری است که کدگذاری تابع قوانین ثابتی باشد، برای تحلیل دقیق‌تر داده‌ها مجموعه‌ای از قوانین تعیین شده است؛ برای نمونه جنات اگر صفتی همراه داشته باشد، این صفت نیز نعمت دیگری به شمار می‌آید. همچنین ذکر اوصاف مختلف برای لباس، نعمتی جداگانه دانسته شده؛ برای مثال در آیه «يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَمَلِّينَ» (دخان / ۵۳) دو نعمت ذکر شده است. سپس متن براساس قوانین تعیین شده، کدگذاری و نتایج آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در زیر نمونه‌ای از جدول اکسل آمده که همه سوره‌ها براساس قوانین یادشده، کدگذاری و نعمت‌ها شمارش شده‌اند.

۱. نعمت‌های بهشتی

نعمت‌های بهشتی در ۲۷ سوره قرآن ذکر شده که از آن میان هجده سوره مکی و نه سوره مدنی است.

نمونه جدول کدگذاری:

نوع	کد	نمط
جنات	A1	۱
ظرف	A2	
زبورآن	A3	
فان	A4	
نعمت	A5	
مطهر	A6	۱
بستر	A7	۱
آب	A8	
نعمت	A9	
آبشار	A10	
نوشیدنی	A11	
گوشت	A12	
میوه	A12	
نعمت	A13	
نعمت	A14	
نعمت	A15	۱
نعمت	A16	
نعمت	A17	۱
نعمت	A18	۱

۱-۱. نعمت های ذکر شده در سور مکی

از نعمت های بهشتی گوناگونی در این سور نام برده شده. اینکه فراوانی ذکر هر نعمت چقدر است، نکته درخور توجهی است. از مجموع ۱۸۳ نعمت نام برده شده در سور مکی، ۶۹ نعمت به خوردنی ها، ۵۸ نعمت به جنات، ۲۶ نعمت به مقام بهشتی، ۲۶ نعمت به حورالعین و اوصاف آن ها و تنها یک نعمت به مغفرت الهی اختصاص دارد. از نظر فراوانی نعمت های بهشتی در سور مکی، خوردنی ها با ۳۸ درصد در رتبه نخست، جنات با ۳۲ درصد در رتبه دوم، مقام بهشتی و حورالعین با چهارده درصد در رتبه سوم قرار گرفته اند.

۱-۱-۱. خوردنی ها و نوشیدنی ها

اطعمه و اشربه بهشتی از نظر فراوانی در رتبه نخست نعمت های بهشتی قرار دارد. در قرآن کریم آمده است که غذاهای بهشتی، میوه های مطبوع و هر آنچه بهشتیان برگزینند، برای ایشان آماده می شود: «وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ» (واقع / ۲۰)؛ میوه از هر چه اختیار کنند. همچنین «وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ» (طور / ۲۲)؛ (با هر نوع) میوه و گوشتی که دلخواه آن هاست آنان را مدد (و پذیرایی) می کنیم. افزون بر غذاهای مطبوع، انواع نوشیدنی های گوارا در بهشت وجود دارد که تازه، خالص، خوشبو و لذت بخش است و بهشتیان از باده های مُمهر شده نوشانده می شوند: «يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ» (مطففین / ۲۵) باده ای سخت سپید که نوشندگان را لذتی خاص دهد، نه در آن فساد عقل است و نه ایشان از آن به مستی

افتند: ﴿بَيْضَاءَ لَذَّةً لِلشَّارِبِينَ * لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْفُونَ﴾ (صافات / ۴۶-۴۷) و شراب بهشتی از چشمهٔ تسنیم و طعم زنجبیل. (مطففین / ۲۷) همهٔ این تشریفات به وسیلهٔ خادمان بهشتی صورت می‌پذیرد، اگرچه بهشتیان نیاز به خادم ندارند؛ چرا که هرچه طلب کنند حاضر می‌شود. به هررو نوجوانانی زیباروی گرد آنان می‌چرخند و از آنان پذیرایی می‌کنند: ﴿يُطَوَّفُ عَلَيْهِمْ وُلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ * بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ﴾ (واقعه / ۱۷-۱۸)؛ گردشان پسرانی جاودان به خدمت می‌گردند با جام‌ها، آبریزها و کاسه‌هایی از بادهٔ ناب روان. از آنجا که در اساس نعمت‌ها و لذت‌های بهشت را حد و حصری نیست، نعمت‌های بهشتیان به آنچه گفته شد، محدود نمی‌شود؛ از این رو، برخی آیات با تأکید بر نامحدود بودن مواهب بهشتی از نظر مقدار و کیفیت بیان می‌دارند، که بهره‌مندی از این نعمت‌ها تنها به خواست بهشتیان است: ﴿وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ﴾ (زخرف / ۷۱)؛ و در آنجا آنچه را دل آن‌ها بخواهد و دیدگان‌شان را خوش آید، وجود دارد. سوره‌های مبارکهٔ واقعه و الرحمن و انسان سه سوره‌ای است که اوج تصویرپردازی نعمت‌های بهشتی در آن‌ها در قالب کلمات بیان شده است. از مجموع نعمت‌های بهشتی، نعمت‌هایی که به ذکر بهره‌مندی‌های خوردنی اعم از اشربه و اطعمه و تشریفات متعلق به آن؛ از جمله ظروف غذا و نوشیدنی و یا خادمان پذیرایی‌کننده اختصاص دارد، ۳۸ درصد از نعمت‌ها را در برمی‌گیرد که بالاترین میزان فراوانی نعمت‌های بهشتی است.

۱-۱-۲. جنّات بهشتی

ذکر نعمت جنات در بیشتر آیات مرتبط با توصیف بهشت به چشم می‌خورد و از نظر فراوانی در رتبهٔ دوم قرار می‌گیرد. تصویر خیال‌انگیز بهشت موعود صالحان در قرآن کریم، بوستان‌هایی است که جویبارها (کهف / ۳۱) و چشمه‌ساران متعددی در آن از زیر سایهٔ شاخساران گذر می‌کند. (حجر / ۴۵) در این بوستان‌های بهشتی منزلگاه‌هایی شایسته قرار دارد که بهشتیان منزله از هرگونه آلودگی و در نهایت آرامش و آسایش در آن‌ها به سر می‌برند. (توبه / ۷۲؛ صف / ۱۲) باغ‌های بهشتی با اوصافی چون عالیه (غاشیه / ۱۰)، ﴿ذَوَاتَا

أَفْنَانٍ﴾ (الرحمن / ۴۸)، النعمیم (صافات / ۴۳) وصف شده است. ۳۲ درصد از نعمت های بهشتی در سور مکی به این باغ ها اختصاص دارد.

۱-۱-۳. مقام بهشتی

از جمله نعمت های ذکر شده در بهشت مقامات و جلوه و کسوت شاهانه ای است که به بهشتیان ارزانی می شود؛ برای نمونه در قرآن کریم چنین آمده است: بهشتیان بر تخت هایی باشکوه و پستی های سبز (الرحمن / ۵۴؛ غاشیه / ۱۴) روبه روی هم تکیه داده اند. (واقعه / ۱۵-۱۶؛ فاطر / ۳۳؛ یس / ۵۵؛ صافات / ۴۳؛ انسان / ۱۳؛ طور / ۲۰)

لباس های فاخر و زینت های آراسته از دیگر نعمت هایی است که بهشتیان به آن لباس های فاخر پوشانده شده و به انواع زینت ها آراسته می شوند. بهشتیان با دست بند هایی از طلا و مروارید (فاطر / ۳۳) آراسته می شوند و جامه هایی سبز از پرنیان نازک (کهف / ۳۱؛ دخان / ۵۱) و حریرستبر (فاطر / ۳۳) می پوشند. در مجموع ۲۶ نعمت مرتبط به مقام بهشتیان است که در رتبه سوم قرار می گیرد و از نظر فراوانی، پانزده درصد نعمت های بهشتی در سور مکی را به خود اختصاص می دهد.

۱-۱-۴. حورالعین

یکی دیگر از نعمت های بهشتی زنان زیباروی اند که با وصف «حورالعین» در قرآن کریم آمده است. واژه «حور» چهار بار در قرآن ذکر شده که یک بار به تنهایی و سه بار با صفت «عین» همراه شده است. (دخان / ۵۴؛ طور / ۲۰؛ واقعه / ۲۲) حورالعین قرآنی زنانی هستند مانند مروارید در صدف (واقعه / ۲۲-۲۳)، یاقوت و مرجان (الرحمن / ۵۸)، نیکوخلق و زیبا (الرحمن / ۷۰)، پوشیده در خیمه ها و پنهان از دید مردان بیگانه (الرحمن / ۷۲) همیشه باکره (واقعه / ۳۵-۳۶) شیفته شوهران خود (واقعه / ۳۷) دارای نگاه های مملو از حیا (صافات / ۴۸-۴۹) همخوابگانی بالابلند (واقعه / ۳۴)، خوش زبان و فصیح (همان / ۳۷) و حوریانی هم سن و سال. (نبأ / ۳۳)

لغت نویسان هم عقیده اند که حور جمع حوراء و به معنای سپیدی چشم در مقابل

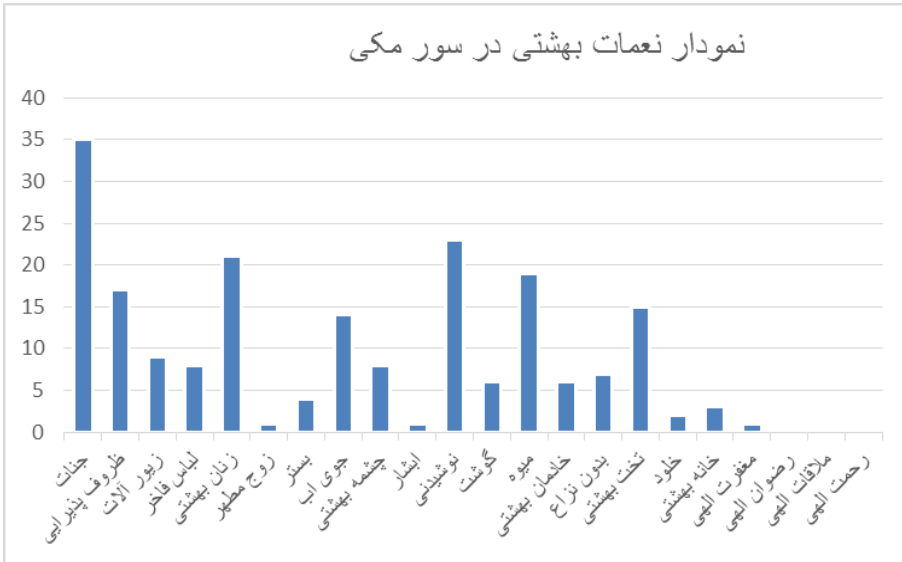
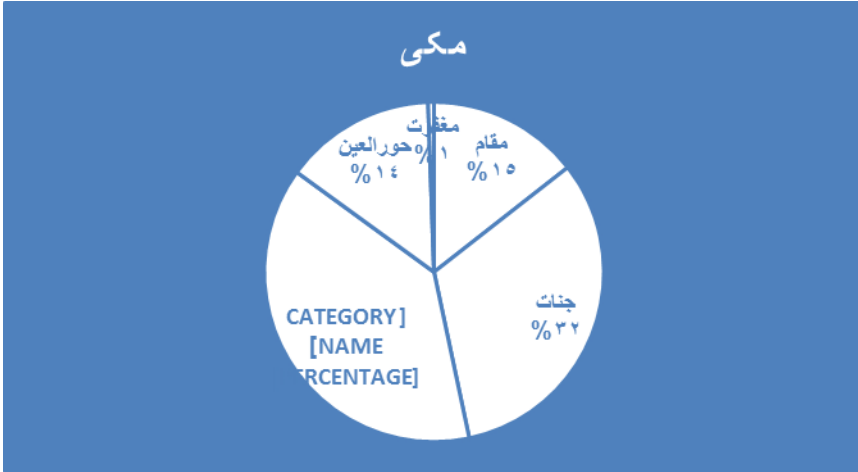
سیاهی چشم است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳ / ۲۸۸؛ ابن منظور، ۱۳۹۹: ۴ / ۲۱۹؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۱ / ۴۵۸) مستشرقان نیز بر این باورند که واژه حورالعین عربی نیست و وام‌گرفته از زبانی دیگر است؛، اما در اینکه از چه زبانی، اختلاف نظر دارند و عقیده رایج آنان این است که سرچشمه‌ای ایرانی دارد. (Berthels, 1925) (Wensinck, 1971: 581) ::

درباره حورالعین و معنای آن بحث‌های بسیاری درگرفته است. برخی چون لوکزبرگ حوری را انگور سفید معنا کرده‌اند که این برداشت با انتقادهای متعددی روبه‌رو شده است. (Luxenberg, 2007: 263)

فرانسوا دوبلوا از این ادعای لوکزبرگ انتقاد کرده و می‌نویسد که لوکزبرگ دانش زبان‌شناسی لازم را نداشته است. همچنین دبلوا آورده است که تحول در معنی لغات یکباره اتفاق نمی‌افتد؛ چگونه می‌توان پذیرفت که پیش از نزول قرآن، همگان حورالعین را انگور سفید می‌فهمیده‌اند و ناگهان همه عالم‌ان مسلمان به اشتباه و سوءتعبیر از حورالعین، زنان بهشتی را درک کرده‌اند؛ از این رو این ادعا فاقد مستندات لازم است و ادعایی بیش نیست. (ریپین و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۸۵)

آرتور جفری نیز با استناد به اشعار کهن عربی به خوبی نشان داده است که کاربرد این واژه در معنای زنان زیبارو در میان اعراب جاهلی تداول داشته و مفهومی ناآشنا نبوده است. (جفری، ۱۳۷۲: ۱۸۹) حوریان بهشتی در سور مکی چهارده درصد از نعمت‌های بهشتی را به خود اختصاص داده‌اند.

الف) نمودار نعمت های بهشتی در سور مکی



۲-۱. نعمت های بهشتی در سور مدنی

در مقایسه با سور مکی در سور مدنی، نعمت های گوناگونی در وصف بهشت ذکر شده است که البته تفاوت های آشکاری نیز در این میان هست: نخست آنکه در این سوره ها از

ذکر جزئیات نعمت‌ها خودداری شده؛ به عبارت دیگر ذکری از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و مقام و اوصاف دقیق حورالعین با جاذبه‌های جسمی نیست؛ بلکه با آوردن واژه «طهارت» بر بعد معنوی نعمت تأکید شده است. دوم اینکه از نعمت‌هایی معنوی مانند مغفرت الهی، رضوان الهی، رحمت الهی و ملاقات الهی نام برده شده که در سور مگّی به این نعمت‌ها اشاره‌ای نشده است.

از مجموع ۴۴ نعمتی که در سور مدنی نام برده شده، ۲۵ نعمت به جنات، پنج نعمت به مغفرت، پنج نعمت به رضوان الهی، پنج نعمت به همسران بهشتی، سه نعمت به رحمت الهی و یک نعمت به ملاقات الهی اختصاص یافته است. از نظر فراوانی نعمت‌های بهشتی، جنات با ۵۷ درصد در رتبه نخست، مغفرت الهی و رضوان الهی و همسران بهشتی، هر کدام با یازده درصد در رتبه دوم، رحمت الهی با هفت درصد و ملاقات الهی با دو درصد به ترتیب در رتبه سوم و چهارم قرار می‌گیرند.

۱-۲-۱. جنات بهشتی

در سور مگّی نیز بهشتیان به جناتی وعده داده شده‌اند که ویژگی‌های متفاوتی با باغ‌های دنیوی دارند: از زیردرختان، نهرهایی از عسل مصفا و شیر و شراب جاری است (محمّد / ۱۲) و خانه‌هایی که در این بوستان‌ها مهیا است (توبه / ۷۲)، میوه‌های این باغ دائمی است (رعد / ۳۵) و بهشتیان در این بوستان‌ها جاویدان‌اند. ذکر جنت در سور مدنی نیز مانند سور مگّی، از بالاترین فراوانی برخوردار است و بیش از نیمی از نعمت‌ها به ذکر این جنات اختصاص یافته است.

۱-۲-۲. رضوان الهی

در سور مدنی، رضوان الهی بالاترین نعمت بهشتی معرفی شده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينٍ ظَلِيمَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾. (توبه / ۷۲)

برخی از مفسران رضوان الهی را به احساس شادی و سرور قلبی تعبیر کرده‌اند (طبرسی،

۱۳۷۲: ۷/ ۵) که بیانگر شدت قرب و نزدیکی و کرامت اهل بهشت نزد خداوند تبارک و تعالی است. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱/ ۴۲۹) این نعمت در زمره والاترین نعمت های بهشتی (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۲/ ۱۸۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/ ۲۸۹) قرار دارد و علت اهمیت آن این است که به دیگر نعمت ها عطف نشده است. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/ ۱۲۶)

در روایات نیز رضایت بهشتیان از نعمت های بهشتی بالاترین نعمت بهشت معرفی شده است. (سیوطی، ۱۴۱۶: ۳/ ۲۵۷) امامان علیهم السلام تعبیر والاتری از این واژه ارائه داده و آن را عشق و محبت الهی معنا کرده اند. در روایتی از امام سجاد علیه السلام آمده است که وقتی بهشتیان از انواع نعمت ها بهره مند می شوند، خداوند به آن ها خطاب می کند که راضی هستید و بهشتیان پاسخ می دهند: «نعم یا ربنا رضاك عنا و محبتك لنا خیر لنا و أطیب لافسنا»؛ خشنودی تو از ما و محبت تو برای ما خوش تر است از آن عطایا و نعمت هایی که به ما احسان کرده ای. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۲/ ۲۹۰)

معرفت انسان نمی تواند رضوان و حدود آن را درک کند؛ زیرا رضوان خدا محدود و مقدر نیست تا وهم بشر بدان دست یابد و بزرگترین سعادت و رستگاری برای یک نفر عاشق و دوستدار این است که رضایت معشوق خود را جلب کند، بدون اینکه در صدد ارضای نفس خویش باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/ ۳۳۹)

در حقیقت رضوان بزرگترین دستاورد عاشق از معشوق است و بنده عاشق با کسب رضایت الهی به مقصودش می رسد. کمترین ثمره رضوان الهی نعمت های بهشت است و نعمت های بهشتی جلوه ای از رضای اوست. قرآن کریم انسان ها را به عبودیتی فرامی خواند که با عشق و محبت خدا باشد، نه برای کسب بهشت و نه از ترس جهنم؛ چنان که که در کلام امام علی علیه السلام آمده است: «الهی ما عبدتك شوقاً الی جنتك و لا خوفاً من نارک بل وجدتك اهلاً للعبادة فعبدت». (علامه حلی، ۱۴۰۹: ۱۲۸) تمام آنچه در بهشت است؛ یعنی اشجار و انهار و ابنیه و غرفات، حیاتی ذاتی دارند. حیاتی که با حیات نفسی که آن را ادراک و ایجاد می کند، یکی است. ادراک این صور عیناً ایجاد آن هاست؛ چراکه ادراک و فعل در آنها یکی است و مشیت او نیز عیناً همان مشیت

خداوند است. علت این امر آن است که چنین کسی به مقام رضا و عبودیت رسیده است؛ یعنی جز آنچه خدا می خواهد نمی خواهد. (ابن عربی، بی تا: ۱/ ۳۸۱)

تنها در سور مدنی از رضوان الهی یاد شده و در سور مگگی به آن اشاره ای نشده است. این نعمت از نظر فراوانی در رتبه دوم نعمت های ذکر شده در بهشت قرار دارد.

۳-۲-۱. مغفرت الهی

از مغفرت الهی به عنوان یکی از نعمت های بهشتی پنج بار نام برده شده است. (حدید / ۲۱؛ مائده / ۹؛ انفال / ۷۴؛ آل عمران / ۱۲۳؛ بقره / ۲۲۱) در قرآن کریم هم آیی جنت و مغفرت به چشم می خورد؛ برای نمونه ﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾. (آل عمران / ۱۳۳) غفران از ماده «غفر» و در لغت به معنی پوشیدن چیزی است که انسان را از زشتی حفظ می کند. این واژه در اصطلاح قرآنی به این معنی است که خداوند عیوب و گناهان بندگان را می پوشاند (فراهیدی، ۱۴۰۹ / ۴ / ۴۰۶؛ جوهری، ۲۰۰۵ / ۲ / ۷۷۰) و آن ها را از عذاب و کیفر حفظ کرده و اثر گناه را محو می کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۹)

قرآن کریم در بیشتر موارد مغفرت را در مقابل جنت قرار داده و این نیست، مگر به علت اینکه بهشت خانه پاکان است؛ پس کسی که هنوز به قذارت های گناهان و پلیدی های معاصی آلوده است، داخل آن نمی شود، مگر آنکه خدای تعالی با آمرزش خود قذارت های او را از بین برده و پاکش کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴ / ۲۰) مغفرت الهی با یازده درصد در رتبه دوم نعمت های ذکر شده در سور مدنی قرار دارد.

۴-۲-۱. همسران بهشتی

یکی دیگر از نعمت های بهشت در سور مدنی ازواج مطهره است (بقره / ۲۵؛ آل عمران / ۱۵؛ نساء / ۵۷) که یازده درصد از نعمت های بهشتی را به خود اختصاص می دهد. در سور مدنی ذکری از حورالعین نیامده و با صفت طهارت بر بعد معنوی واژه تأکید شده است.

۱-۲-۵. ملاقات الهی

یکی دیگر از نعمت‌های بهشتی لقای الهی است. مراد از «لِقَاءَ اللَّهِ» قرار گرفتن بنده در موقعیتی است که دیگر بین او و پروردگارش حجابی نباشد؛ چنان‌که روز قیامت نیز بدان سبب که روز ظهور حقایق است، چنین است. قرآن کریم در این باره فرموده است: «وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ» (نور/ ۲۵)؛ آن روز یقین می‌کنند که خدا حَقّ آشکار است. بدون شک در اینجا منظور ملاقات حسی پروردگار نیست؛ چراکه ملاقات حسی تنها درباره اجسام است که دارای مکان، زمان، رنگ و کیفیات دیگرند؛ چنان‌که می‌توان آن‌ها را با چشم ظاهر دید. بنابراین منظور شهود باطنی و دیدار و ملاقات روحانی و معنوی با خدا است؛ زیرا در قیامت حجاب‌ها کنار می‌رود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الَلِّقَاءُ هُنَا لَيْسَ بِالرُّؤْيَا، وَاللِّقَاءُ هُوَ الْبَعْثُ فَأَفْهَمُ جَمِيعَ مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنْ لِقَائِهِ فَإِنَّهُ يَعْنِي بِذَلِكَ الْبَعْثُ» (صدوق، ۱۳۹۸: ۲۶۷)؛ لقا به معنی مشاهده با چشم نیست؛ بلکه لقا همان رستاخیز و برانگیخته شدن مردگان است. این نعمت به سور مدنی اختصاص دارد و در زمره نعمت‌های بهشتی ذکر شده و نشان‌دهنده تعالی انسان در بهشت است.

ب) نعمت‌های بهشتی در سور مدنی

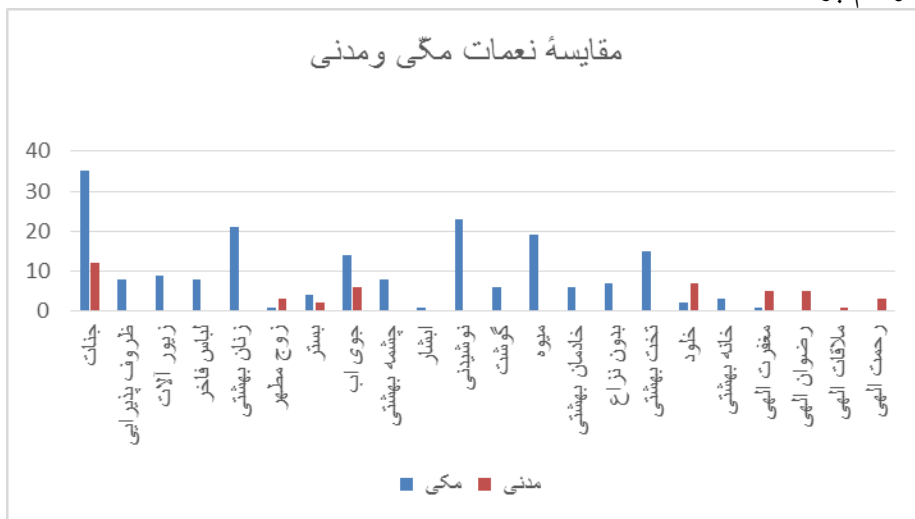


۲. تحلیل محتوای کمی نعمت‌های بهشتی

با نگاهی دقیق و تحلیل کمی نعمت‌های بهشتی به تفکیک سور مکی و مدنی درمی‌یابیم که در سیراز سور مکی به سور مدنی از ذکر نعمت‌های حسی کاسته شده و یادکرد نعمت‌های معنوی مانند رضوان الهی، لقا و محبت الهی، و رحمت الهی فزونی یافته است. تأکید بر مؤلفه عشق الهی در پی تعالی و تطهیر افکار جاهلانه مخاطبان اولیه اسلام، پیام مهمی در ارتقای سطح آگاهی و معرفت به همراه دارد. این پیام مهم بیانگر آن است که ذکر نعمت‌های حسی در راستای هدایت فرهنگی، با توجه به سطح درک مخاطبان اولیه اسلام بوده است و پس از گذشت سیزده سال از دعوت پیامبر ﷺ و سعی و مجاهدت حضرتش در تربیت نفوس، هنگامی که ظرف استعداد نفوس گنجایش بیشتری یافته، در سور مدنی سخن از نعمت‌هایی به میان آمده که در سور مکی ذکری از آن نعمت‌ها نیست. به تعبیر ملاصدرا آن جماعتی که قرآن به لسانشان صادر شده این امور در چشم آنان عظیم بود و نهایت شوق و شهوت را بدان داشتند و گرنه در بهشت هرآنچه نفس بخواهد، مهیاست. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱: ۷ / ۴۷) از این رو در سور مدنی ذکری از لذت‌ها، خوردنی‌ها و پوشیدنی‌های فاخریادشده در سور مکی نیست و در مقابل ذکر «حورالعین» با جاذبه‌های جسمی در سور مکی، از تعبیر «ازواج مطهره» بهره برده شده که یادآور طهارت معنوی در جلوه‌ای والاتر می‌شود.

بهشتیان بنا بر استعداد نفوسشان در برخورداری از نعمت‌های بهشتی متفاوت‌اند؛ چنان‌که ملاصدرا آورده است: اصحاب یمین محسوساتی از قبیل مأكولات و مشروبات و منکوحات طلب می‌کنند و صالحان مقرب جز معنویات و روحانیات درخواستی ندارند. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۹ / ۳۲۲) شیخ صدوق نیز یادآور شده است که برخی از بهشتیان تنها از لذت‌های حسی برخوردارند؛ در حالی که برخی دیگر که درجه‌ای بالاتر دارند، در کنار فرشتگان‌اند و از تسبیح و تهلیل ذات الهی لذت می‌برند. (صدوق، ۱۳۶۴: ۷۶-۷۷) از این رو برخی عالمان از موضع اصرار بر لذت‌های حسی فاصله گرفته و نعمت‌های روحانی را در بهشت از نعمت‌های جسمانی برتر برشمرده‌اند. (ابن رشد، ۱۹۰۳: ۳۵۴)

در نمودار زیر به خوبی کاهش نعمت‌های حسی در برابر نعمت‌های معنوی به نمایش درآمده است. چنین کاهشی پیام مهمی در تربیت نفوس دارد که در ادامه به ذکر آن خواهیم پرداخت.



۳. ابعاد تربیتی

نوع نگرش هرانسانی به جهان دیگر عملکرد او را در زندگی معین می‌سازد. دل‌مشغولی‌های دنیوی گاه انسان را از تأمل و فهم دقیق هدف زندگی دور کرده و امور فرعی او را از توجه به اصل بازمی‌دارد.

آشکار است که بدفهمی دینی از بشارت به لذت‌های بهشتی و توجه افراطی به نعمت‌های حسی بهشت، گاهی این پندار را در انسان پدید می‌آورد که چنانچه رسیدن به این بهره‌مندی‌ها هدف است، چرا شخص اسباب آن را در دنیا فراهم نیابد و نقد را فدای نسیه کند. بنابراین انسان گاه در پی آن است که همان بهشت موعود را در دنیا برای خود فراهم آورد؛ برای نمونه در محافل غربی بیشتر به موضوع حوریان در بهشت، توجه خاص شده و عموماً به‌عنوان تصویری خیال‌انگیز از بهره‌مندی جنسی تحلیل شده است. (برای نمونه بنگرید به: Horovitz, 1925: 543; Ruthven, 2000: 263)

همچنین این موضوع مورد سوءاستفاده مجاهدان به‌ظاهر مسلمان که از ضعف ایمان

و اندیشه‌های بنیادگرایانه و متحجرانه رنج می‌برند، قرار گرفته و وعده به نعمت‌های بهشتی به ویژه حورالعین، انگیزه‌ای برای عملیات تکفیری و انتحاری آنان گشته است. برای گریز از این نوع نگاه، برخی بازاندیشان دینی به تأویل این‌گونه نعمت‌ها گرایش یافته‌اند (پاکتچی و دیگران، ۱۳۶۷: ۱۳ / ۵۲۷۱)؛ اما با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان برای این مسئله پاسخی دیگر یافت: با در نظر داشتن سیر نعمت‌ها از سور مکی به مدنی، که بیانگر ترتیب نزول است، هدف از ذکر نعمت‌های حسی‌ای مانند حورالعین، دست‌مایه‌ای است که برای تشویق کودکی نوپا عرضه می‌شود؛ به این صورت که دست کودک که با نازل‌ترین سطح از برخورداری اقناع می‌شود، گرفته شده و با او همراهی می‌شود تا در مرحله بلوغ فکری، سطح دیگری از نعمت‌ها بر او عرضه شود که لقا، رضوان و مقام قرب الهی است. بدین سان این کیفیت از سیر نعمت‌ها به این مسئله توجه می‌دهد که سیریک انسان تکامل یافته نیز باید این‌گونه باشد.

به عبارت دیگر با نگاهی دقیق در سیر نعمت‌های بهشتی می‌توان دریافت که صحیح‌ترین هدف زندگی فقط رسیدن به نعمت‌های حسی نیست؛ بلکه کمال و تعالی وجودی انسان در پرتو تقرب و عشق الهی است. خداوندی که منبع کمالات است و هم‌رنگی با صفات او زندگی آرمانی را برای انسان به نمایش درمی‌آورد؛ به عبارت دیگر، محبت الهی تصفیه‌گر وجودی انسان و زایل‌کننده زشتی‌های درونی و برونی و صفات رذیله ناشی از خودخواهی از قبیل بخل، امساک، جبن، تنبلی، تکبر و عجب است. در روایات نیز آمده است که پیامبر ﷺ همواره پیروان خویش را به محبت و عشق الهی فراخوانده‌اند. (برای نمونه بنگرید به: کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۱۲۳)

عشق کمال وجودی است و هرچه کمال وجودی است، در همه مراتب هستی حضور دارد؛ بنابراین همه موجودات از درون به عشق الهی، خیر حقیقی، مشتاق‌اند و این عشق الهی است که وصال به آن در جهان دیگر با تعابیری همچون رضای الهی، لقای الهی و ... آمده است و برترین نعمتی است که به عاشق داده می‌شود. توجه به این نعمت معنوی فراموش شده می‌تواند عشق نهفته انسان‌ها را بیدار کند و سبک زندگی متعالی را برای آنان پدید آورد. عاشق حقیقی خداوند می‌کوشد که خود را در زندگی دنیوی شبیه معشوق خود

بگرداند. او همچنین عالم را مظهري از خداوند می بیند و تمام افعالش در گرو خیر مطلق و لقای الهی است.

نتیجه

در سور مکی از نظر فراوانی نعمت های بهشتی، خوردنی ها با ۳۸ درصد در رتبه نخست، جنات با ۳۲ درصد در رتبه دوم و مقام و حورالعین با چهارده درصد در رتبه سوم قرار می گیرند.

در سور مدنی نیز در مقایسه با سور مکی با تفاوتی آشکار، نعمت های گوناگونی در وصف بهشت ذکر شده است: نخست اینکه از جزئیات نعمت ها سخن به میان نیامده؛ چنان که از خوردنی ها، نوشیدنی ها و مقام و اوصاف دقیق حورالعین با جاذبه های جسمی نشانی نیست؛ بلکه با آوردن واژه «طهارت» بر بعد معنوی نعمت تأکید شده است؛ دوم اینکه در سور مدنی از نعمت های معنوی ای چون مغفرت الهی، رضوان الهی، رحمت الهی و ملاقات الهی نام برده شده؛ حال آنکه در سور مکی به این نعمت ها اشاره ای نشده است.

در سور مدنی از نظر فراوانی نعمت های بهشتی، جنات با ۵۷ درصد در رتبه نخست، مغفرت الهی و رضوان الهی و همسران بهشتی هر کدام با یازده درصد در رتبه دوم، رحمت الهی با هفت درصد و ملاقات الهی با دو درصد در رتبه سوم و چهارم قرار گرفته اند.

با نگاهی دقیق و تحلیل کمی نعمت های بهشتی به تفکیک سور مکی و مدنی درمی یابیم که در سیراز سور مکی به سور مدنی از ذکر نعمت های حسی کاسته شده و یادکرد نعمت های معنوی ای چون رضوان الهی، لقا و محبت الهی، و رحمت الهی فزونی یافته است. تأکید بر مولفه عشق الهی برای تعالی و تطهیر افکار جاهلانۀ مخاطبان اولیه اسلام، پیام مهمی در ارتقای سطح آگاهی و معرفت به همراه دارد. این موضوع بیانگر آن است که ذکر نعمت های حسی در راستای هدایت فرهنگی، با توجه به سطح درک مخاطبان بوده و پس از گذشت سیزده سال از دعوت پیامبر ﷺ و سعی و مجاهدت حضرتش در تربیت نفوس، هنگامی که ظرف استعداد مخاطبان گنجایش بیشتری یافته، نعمت هایی در سور مدنی توصیف شده که ذکری از آن ها در سور مکی به میان نیامده است.

اطلاعات ارائه شده در نمودارها به خوبی نمایانگر کاهش نعمت های حسی و تأکید بر نعمت های معنوی در سور مدنی است و این امر پیام مهمی در تعیین سبک زندگی اسلامی در بردارد؛ در واقع با نگاهی دقیق در سیر نعمت های بهشتی می توان دریافت که صحیح ترین هدف زندگی فقط رسیدن به نعمت های حسی نیست، بلکه کمال و تعالی وجودی انسان ها در پرتو تقرب و عشق الهی است. وصال به خداوندی که منبع کمالات است و هم رنگی با صفات او زندگی آرمانی را به نمایش درمی آورد. توجه به این سیر تربیتی می تواند تغییر شگرفی در سبک زندگی، جهت گیری اعمال و رفتارهای آدمی ایجاد کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (د. ۶۰۶ ق)؛ *النهاية في غريب الحديث والأثر*؛ قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۳. ابن رشد، محمد، *تهافت التهافت*، به کوشش موریس بویژ، بیروت، ۱۹۰۳ م.
۴. ابن عربی، محی الدین، *الفتوحات المکیة*، دار الصادق، بیروت، بی تا.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار الفکر، بیروت، ۱۳۹۹ ق.
۶. باردن، لورنس، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمینی دوزی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۷. پاکتچی، احمد و دیگران، «بهشت»، در *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۳، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۸. جفری، آرتور، *واژه های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره ای، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، تحقیق خلی مأمون شیخا، دار المعرفة، بیروت، ۲۰۰۵ م.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دار الشامیة، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. ربیین، اندرو و دیگران، *زبان قرآن، تفسیر قرآن (مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان)*، ترجمه مرتضی کریمی نیا، هرمس، تهران، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.

۱۳. سیوطی، جلال الدین، *الإتقان فی علوم القرآن*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۱۴. شریف لاهیجی، محمد بن علی، *تفسیر شریف لاهیجی*، دفتر نشر داد - تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش.
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *تفسیر القرآن الکریم*، نشر بیدار، قم، ۱۳۶۱ ش.
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۹۸۱ م.
۱۷. صدوق، محمد بن علی، *الاعتقادات*، تحقیق عصام عبد السید، قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. صدوق، محمد بن علی، *التوحید*، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸ ق.
۱۹. صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، تصحیح سید محمد حسینی، جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.
۲۰. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن* (تفسیر الطبری)، دار المعرفة - لبنان - بیروت، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۲۳. علامه حلی، الأفین، هجرت - قم، ۱۴۰۹ ق.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تحقیق مهدی المخزومی، مؤسسه دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. کرپندورف، کلوس، *مبانی روش شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نائینی، انتشارات روش، بی جا، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، دار احیاء التراث العربی - لبنان - بیروت، ۱۴۲۳ هـ.ق.
۲۷. هولستی، ال ان، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی*، ترجمه نادر سالارزاده، انتشارات علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۷۳ ش.

- Berthels, E., «Die Paradiesischen Jungfrauen (Huris) im Islam», *Islamica*, vol. I, 1925.
- Ruthven, M., *Islam: A Very Short Introduction*, Oxford, 2000.
- Wensinck, Charles Pellat, *Hūr*. In: *The Encyclopaedia of Islam*. New Edition. Band 3. Brill, 1971.
- Luxenberg, Christoph, *The Syro-Aramaic Reading of The Koran a Contribution to The Decoding of The Language of The Koran*, schiler, Berlil, 2007.
- Horovitz, J., «Die Paradiesischen Jungfrauen im Koran», *Islamica*, 1925.